

تفسیر سورہ

تین

### سیمای سوره تین

این سوره هشت آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است و به معنای انجیر می باشد. محور سوره، کیفر و پاداش انسانها در قیامت است، اما مطلب را از راه آفرینش انسانها در بهترین صورت و دو گروه شدن آنان بر مبنای ماندن بر فطرت پاک الهی و یا خروج از آن و سقوط به پایین ترین درجات انسانیت، بیان می کند که این اختلاف در انتخاب، موجب اختلاف در کیفر و پاداش الهی می شود. و طبیعتاً حکمت اقتضا می کند که دو گروه یکسان دیده نشوند.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالْتَيْنِ وَالزَيْتُونِ ﴿۲﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿۳﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۴﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۵﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۶﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۷﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ﴿۸﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

به انجیر و زیتون سوگند. و به طور سینا سوگند. و به این شهر (مکه) امن سوگند. همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم. سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آنان پاداشی قطع ناشدنی و همیشگی است. پس بعد از این، چه چیز سبب می شود قیامت را تکذیب کنی؟ آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست؟

## نکته‌ها:

- طور سینین، همان وادی سینا میان مصر و فلسطین امروزی است.
- در برخی روایات، به قرینه «طور سینین» و «البلد الامین» که اشاره به دو مکان مقدس است، آمده است که مراد از «التین و الزیتون» نیز محلّ رویش این دو میوه می‌باشد و ایه را اشاره به شهرهای مدینه و بیت المقدس دانسته‌اند.<sup>(۱)</sup>
- در میان خوردنی‌ها، میوه‌ها و در میان آنها میوه‌های قنددار و چربی‌دار برای سوخت و ساز بدن بیشتر مورد نیاز است. «التین و الزیتون»
- از امتیازات اسلام داشتن سرزمین امن است حتی برای گیاهان و حیوانات. «البلد الامین»
- نام انجیر یکبار و زیتون، شش بار در قرآن آمده است و هر دو دارای خواص غذایی و درمانی فراوانی هستند. انجیر برای هر سن و سالی به خاطر قندی که دارد مفید است. ورزشکاران و کسانی که دچار ضعف و پیری هستند به خوردن آن سفارش شده‌اند. بر اساس برخی روایات، انجیر میوه‌ای بهشتی است و در طبّ قدیم، معجون انجیر و عسل برای زخم معده و انجیر خشک برای تقویت فکر سفارش شده است.
- امام رضا علیه السلام فرمود: انجیر بوی دهان را می‌برد، لثه‌ها و استخوان‌ها را محکم می‌کند، مو را می‌رویاند، درد را برطرف می‌سازد و مثل دارو مؤثر است. زیتون، بلغم را برطرف می‌سازد، رنگ صورت را صفا داده اعصاب را تقویت نموده، بیماری و درد و ضعف را از بین می‌برد و آتش خشم را فرو می‌نشاند.<sup>(۲)</sup>
- در اینکه مراد از «ثمّ ردناه اسفل سافلین» چیست؟ مفسران دو نظر داده‌اند. یکی آنکه مراد، ضعف و سستی جسم در پیری است، چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و من نعمة ننگسه فی الخلق»<sup>(۳)</sup> و دیگر آنکه مراد، دست برداشتن گروهی از انسانها از فطرت اولیه الهی است که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده که هر کس چنین کند، خداوند او را در پست‌ترین جایگاه‌ها قرار می‌دهد و گرفتار شقاوت و عذاب می‌شود.

۱. تفسیر نورالثقلین. ۲. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۸۳ به نقل از تفسیر نمونه.

۳. یس، ۶۸.

پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌های دنیوی حتی خوردنی‌ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده‌اند. ﴿والتین و الزیتون﴾
- ۲- سلامتی که از طریق غذا به دست می‌آید و امنیت، مهم‌ترین نیازهای مادی انسان است. ﴿التین و الزیتون... البلد الامین﴾
- ۳- قداست وحی، به زمین‌ها نیز سرایت می‌کند. ﴿طور سینین﴾
- ۴- امنیت شهر مکه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: ﴿رب اجعل هذا بلداً آمناً﴾<sup>(۱)</sup> و این دعا مورد استجابت واقع شد. ﴿هذا البلد الامین﴾
- ۵- انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد. ﴿خلقنا الانسان فی احسن تقویم﴾
- ۶- خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. ﴿خلقنا... رددنا﴾
- ۷- انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می‌شود. ﴿خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین﴾
- ۸- انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست‌تر است. ﴿احسن تقویم... اسفل سافلین﴾ (چنانکه در آیات دیگر نیز می‌فرماید: ﴿اولئك كالانعام بل هم اضل﴾<sup>(۲)</sup>)
- ۹- دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. ﴿رددناه اسفل سافلین الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات﴾
- ۱۰- با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، اما او بر اساس عدل، حکم می‌کند و بهترین داوران است. ﴿احکم الحاکمین﴾

«والحمد لله رب العالمین»

۱. بقره، ۱۲۶.

۲. اعراف، ۱۷۹.